

علل ظهور و بروز مفسدین اقتصادی و راه‌های مبارزه با آن

امیر خداخواه^۱

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی-جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، اصفهان، ایران.

چکیده

تحمیل هزینه‌های بسیار بالای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فساد در چند دهه اخیر موجب گردیده است که مبارزه با فساد به اولویت اصلی بسیاری از کشورها مبدل شود. مفسد اقتصادی "از موانع بزرگ استقرار نظام سیاسی و حکومتی اسلام و از مشکلات و رنج‌های مکرری است که هرگاه ظاهر شود تهدیدی برای تحقق "عدالت" و آفت و خطری در مسیر رشد و پیشرفت در همه ابعاد و جلوه‌های مدیریت سیاسی و حقوقی نظام اسلامی به‌شمار می‌رود. در بررسی دلایل و فلسفه انقلاب اسلامی، در اندیشه‌های حضرت امام و مقام معظم رهبری مبارزه با مفسد اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین اصول مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت مبارزه با مفسد اقتصادی تا حدی است که مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۰ فرمانی هشت ماده‌ای در مبارزه با مفسد اقتصادی صادر نموده‌اند و حتی بر اساس آن ستاد مرکزی مبارزه با مفسد اقتصادی تشکیل گردید. تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیلی به بررسی علل ظهور و بروز مفسدین اقتصادی و راه‌های مبارزه با آن می‌پردازد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، مساله اساسی در اقتصاد ایران زمینه فساد را ایجاد می‌کند این است که اقتصاد کشور یک اقتصاد دولتی است و منشأ مفسد در اقتصاد دولتی نهفته است که خودبه‌خود ایجاد رانت می‌کند. همچنین نتیجه گرفت که اراده سیاسی صادقانه، دولت اثربخش، قوه قضاییه کارآمد، اقدامات و قوانین کارآمد و کارآمدی مهمترین عوامل در زمینه کنترل فساد اقتصادی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: مفسدین اقتصادی، عدم شفافیت، اراده سیاسی صادقانه

۱- مقدمه

با عنایت به محدودیت منابع، بی‌شک بهره‌گیری حداکثری از آن و به تعبیر دیگر تخصیص بهینه‌ی منابع، نخستین مسئله و کلیدی‌ترین دغدغه‌ی متولیان هر نظام اقتصادی است. در این راستا کلیه‌ی تمهیدات و اقدامات با محوریت سیاستگذاری اقتصادی در جهت تحقق این مهم صورت می‌پذیرد و بدین ترتیب اهداف کلان اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت حاکمیت دنبال می‌شود. در این بین آنچه به عنوان چالش جدی مطرح گردیده و با اخلال در نظام اقتصادی موجبات مخدوش گردیدن این مهم را فراهم می‌سازد، مقوله‌ی فساد اقتصادی است. فساد اقتصادی، که از آن به سوء استفاده از قدرت، امکانات، اختیارات و مناصب دولتی برای تأمین منافع شخصی، گروهی، حزبی، قومی یا طبقه‌ای خاص تعبیر می‌کنند، سابقه‌ای به قدمت جامعه‌ی بشری دارد و مختص هیچ دوره‌ی خاصی در تاریخ سیاسی نبوده و اختصاص به هیچ کشور معینی هم ندارد. گرچه شکلی که فساد مالی به خود گرفته، در طول تاریخ و از یک قوم به قوم دیگر تغییر یافته است، لیکن هم در نظام‌های مالی سلطه‌طلب و هم در نظام‌های حکومتی دموکراتیک بیماری شایع و ادامه‌داری به‌شمار می‌آید.

۲- گونه‌های فساد اقتصادی

به دلیل تداخل معنی میان گونه‌های مختلف فساد مالی، ارائه‌ی یک تقسیم‌بندی دقیق برای آن امکان‌پذیر نمی‌باشد. لذا در این قسمت به بیان یک تقسیم‌بندی کلی از مصادیق و اشکال فساد مالی و تشریح آنها می‌پردازیم، هرچند که این مفاهیم ممکن است تا حدودی با یکدیگر همپوشانی داشته باشند.

۱-۲- رشوه‌خواری

رشوه، پولی است (به شکل پول یا هر چیز دیگر) که در یک رابطه‌ی فساد پرداخت یا دریافت می‌شود. پرداخت یا دریافت رشوه به خودی خود فساد تلقی می‌شود و باید مقدمه‌ی فساد به حساب بیاید. رشوه مبلغی است ثابت، درصد مشخصی از یک قرارداد و یا هر پرداخت پول دیگری که معمولاً به یک مأمور دولتی داده می‌شود تا بتواند قراردادی را از طرف دولت تنظیم کند و به صورتی دیگر منافع آن را به شرکت‌ها افراد، تجار و مشتریان بازگرداند (آندویگ، ۱۳۸۸: ۱۸).

واژه‌های معادل بسیاری برای رشوه‌خواری^۱ وجود دارد؛ مانند حق‌وحساب^۲، حق‌العمل^۳، پول کار چاق‌کنی^۴، ادای دین، حق‌سکوت، پول چای^۵، بازپرداخت، دست‌خوش، جوش دادن معامله، انعام^۶، شیرینی^۷، زیرمیزی و غیره که همه‌ی آنها نشان‌دهنده‌ی شکلی از فساد بر حسب پول یا منافع هستند که به کارمندان بخش خصوصی، متصدیان دولتی یا سیاستمداران داده می‌شود. پرداخت‌ها یا درآمدهایی هستند که لازم است پرداخت شود تا برخی از امور سریع‌تر، راحت‌تر یا مطلوب‌تر، از طریق بخش خصوصی یا بوروکراسی‌های دولتی انجام شود. افراد با "چرب کردن سبیل" شرکت‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ می‌توانند مساعدت سیاسی به دست آورند و از بار مالیات و قوانین خلاص شوند، به بازارها و انحصارهای مطمئن و گواهی‌های واردات و صادرات و قراردادهای بزرگ دولتی در زمینه‌ی کالاهای سرمایه‌ای، تأمین پیوسته، پروژه‌های بزرگ مهندسی عمران، ساخت و ساز و غیره دست پیدا کنند (آندویگ، ۱۳۸۸: ۱۸).

1. Bribery

2. Kichbacks

3. Commercial Arrangements

4. Gratuities

5. Greasing Palms

6. Baksheesh

7. Sweeteners

لازم به ذکر است که در مناقصات دولتی نیز بیشتر با همین گونه از فساد مواجه هستیم. بطوریکه فساد اقتصادی در مناقصات دولتی بیشتر به صورت رشوه‌دهی و رشوه‌ستانی میان مناقصه‌گر و مناقصه‌گزار و یا افراد ذی‌نفع، صورت می‌پذیرد. در بخش‌های آینده به طور کامل چگونگی و دلیل پرداخت این رشوه را در مناقصات دولتی توضیح خواهیم داد.

۲-۲- اختلاس

اختلاس^۱، سرقت منابع به‌وسیله‌ی افرادی است که باید بر آنها نظارت کنند و زمانی رخ می‌دهد که کارمندان فاسد و غیر درستکار از کارفرمایان خود سرقت کنند. زمانی که متصدیان دولتی به صورت نادرست از منابع عمومی استفاده می‌کنند و زمانی که مقامات دولتی از مؤسسات دولتی که در آن مشغول به کار هستند، دزدی می‌کنند و از منابعی که مردم باید از آنها بهره بگیرند، می‌دزدند، اختلاس بسیار زیان بار خواهد بود (آندویگ، ۱۳۸۸: ۱۸). اختلاس از دیدگاه حقوقی فساد محسوب نمی‌شود؛ بلکه در تعاریف گسترده‌تری آورده شده است. از نظر قانونی، فساد معامله‌ای است بین دو نفر که یکی از آنها فردی است کارمند دولت و دیگری فردی است عادی. در اینجا کارمند دولت از حد و حدود قانون و مقررات فراتر می‌رود تا در قالب رشوه یک نفع شخصی^۲ برای خود فراهم کند. اختلاس را سرقت محسوب می‌کنند؛ زیرا دربرگیرنده‌ی نقش مستقیم آن شخص عادی نخواهد بود. زمانی که منابع مالی اختلاس شوند، عموم مردم محروم شده‌اند، اما هیچ دارایی فردی به سرقت نرفته است و تک‌تک شهروندان حقوق قانونی خود را از دست داده‌اند و مغبون شده‌اند (آندویگ، ۱۳۸۸: ۱۸). این نکته به یکی از خطرات اختلاس اشاره می‌کند. متوسل شدن به اختلاس، علاوه بر توانایی جداگانه قضایی و قانونی از یک میل سیاسی نشأت می‌گیرد. اختلاس نوعی از فساد و سوء استفاده از قدرت است که می‌تواند در فضاهای نهادی و اخلاقی بسته رشد کند و هیچ وابستگی به عموم مردم نداشته باشد. همچنین، احتمال بروز بحران عمومی در آن کم است. در کشورهای بسیار فاسد، اختلاس بخش مهمی از توانایی بهره‌برداری از منابع به‌وسیله یک حکومت را تشکیل می‌دهد که حتی مهم‌تر از رشوه‌گیری خواهد بود. استرادل^۳؛ فرآیندی است که طی آن، برخی از قدرت‌مندان به طور سیستماتیک از قدرت سیاسی خود استفاده می‌کنند تا منافع اقتصادی شخصی خود را تأمین کرده و توسعه دهند و می‌توان آن را شکل دیگری از اختلاس به حساب آورد. در برخی از کشورها، طبقه‌ی ممتاز سیاسی به ملی کردن شرکت‌ها، دارایی‌ها و حقوق انحصاری خارجی می‌پردازد و آنها را بین اعضای خانواده‌های حکومتی توزیع می‌کند (آندویگ، ۱۳۸۸: ۱۹).

۲-۳- کلاهبرداری

کلاهبرداری (تقلب)^۴ یک جرم اقتصادی است که شامل نوعی فریبکاری، سرکیسه‌کردن یا حقه‌بازی خواهد بود. کلاهبرداری عبارت است از تحریف یا استفاده‌ی ماهرانه از اطلاعات، واقعیت‌ها و دانش فنی به‌وسیله‌ی مقامات دولتی که بین شهروندان و سیاستمداران قرار دارند و می‌خواهند به منافع شخصی‌شان برسند. کلاهبرداری زمانی رخ می‌دهد که یک نماینده‌ی دولتی - که از سوی مافوقش مسئول اجرای دستورات یا وظایف اختصاص داده شده است - از جریان اطلاعات برای منافع شخصی خود استفاده کند. اقتصاددانان برای مطالعه‌ی این پدیده از تئوری معروف مدیر - کارمند یا تئوری مشوق استفاده می‌کنند (آندویگ، ۱۳۸۸: ۱۸). همچنین، کلاهبرداری معنی حقوقی وسیع‌تری دارد و مفاهیمی فراتر از رشوه‌خواری و اختلاس را پوشش می‌دهد. مثلاً کلاهبرداری زمانی به‌وقوع می‌پیوندد که منابع دولتی و نمایندگان دولت در شبکه‌های غیرقانونی تجارت، جعل و کلاهبرداری نقش داشته باشند یا زمانیکه قاچاق، جعل و انواع دیگر جرایم اقتصادی سازمان یافته، با مجوز رسمی مقام دولتی حمایت شوند. کلاهبرداری هنگامی اتفاق می‌افتد که سیاستمداران و عوامل دولتی بابت بستن چشمان خود به روی جرایم

1. Embezzlement

2. Self Interest

3. Straddling

4. Fraud

اقتصادی سهم ببرند. زمانی که مقامات دولتی در این موارد نقش فعال داشته باشند، این نوع کلاهبرداری کاملاً جدی خواهد بود (آندویگ، ۱۳۸۸: ۲۰).

۲-۴- اخاذی

اخاذی^۱ گرفتن پول یا انواع منابع با استفاده از زور، خشونت یا تهدید و اعمال قدرت است. تهدید، رشوه و اخاذی، همگی روابطی فساد آمیز هستند که در آنها پول، به نحوی خشونت بار، به وسیله آنهایی که قدرت دارند، تصرف می‌شود، اما بخش بسیار اندکی از آن به خود مشتریان بازگردانده می‌شود (شاید هم تنها وعده‌هایی پوچ برای رها شدن از آزار و تهدیدهای بعدی به آنها داده شود). پول بیمه‌کننده یا حمایت‌کننده را می‌توان به روش‌های معروف و قدیمی مافیایی، به‌زور به‌دست آورد. در این جرایم سازمان‌یافته، از ایجاد ناامنی، تهدید و زور و ارعاب استفاده می‌کنند تا از شهروندان عادی، شرکت‌های خصوصی و مقامات دولتی به‌زور پول بگیرند. فساد در قالب اخاذی و گرفتن پول زور معمولاً روشی از زورگیری از افراد ضعیف‌تر به‌وسیله جنایتکاران و باندهای مافیایی محسوب می‌شود. اما فسادهای حکومتی از این دسته نیز می‌توانند در رأس این نوع فساد قرار داشته باشند؛ یعنی جایی که خود دولت از هر مافیایی بزرگتر است؛ مثلاً زمانی که دولت و به‌ویژه سازمان‌های امنیتی دولت و گروه‌های شبه نظامی وابسته به آن از افراد، گروه‌های مختلف و شرکت‌ها پول زور بگیرند. با تهدیدات کم و بیش پنهانه‌ی مالیات، هزینه‌ها و سایر منابع را می‌توان از مسافران، فروشنده‌گان، شرکت‌های حمل و نقل و انواع شرکت‌های خصوصی دیگر به زور گرفت. علاوه بر آن، ممکن است مقامات مختلف دولتی از شهروندان عادی، زمانی که به عنوان ارباب رجوع، مشتری، بیمار، دانش‌آموز یا غیره به دولت مراجعه می‌کنند، زیرمیزی و کادو بگیرند. همه‌ی این کارها را می‌توان به عنوان انواع غیررسمی مالیات‌گیری تلقی کرد (آندویگ، ۱۳۸۸: ۲۰).

۲-۵- پارتی بازی

پارتی‌بازی (تبعیض‌گری)^۲ یکی از مکانیسم‌های سوء استفاده از قدرت و به معنای خصوصی‌سازی و توزیع بسیار غیرعادلانه‌ی منابع دولتی است، صرف‌نظر از اینکه چگونه این منابع در وهله‌ی اول به‌دست آمده‌اند. پارتی‌بازی میل طبیعی انسان به ارتکاب نوعی از جرم است تا دوستان، خانواده و هر فرد نزدیک به خود را مورد لطف و عنایت خود قرار دهد. پارتی‌بازی به شدت با فساد ارتباط دارد؛ زیرا به معنای توزیع فساد (غیردموکراتیک و خصوصی‌سازی شده) منابع است. به عبارت دیگر، زمانی که فساد تجمع منابع باشد، پارتی بازی نیز روی دیگر سکه خواهد بود. پارتی‌بازی میل شدید مقامات دولتی و سیاستمدارانی است که به منابع دولت دسترسی داشته و نسبت به توزیع آنها، برتری دادن به افرادی خاص و غیره صلاحیت تصمیم‌گیری دارند. پارتی‌بازی پیرومدارانه تا حدی جرم روزمره اکثر افراد شده است تا اقوام خود را (خانواده، خاندان، قبیله، قوم، گروه محلی یا مذهبی و غیره) مورد لطف قرار دهند. به عنوان مثال پارتی‌بازی یا رفیق‌بازی می‌تواند به صورت اعطای امتیاز به یک دوست یا یکی از اقوام (صرف‌نظر از استحقاق وی) باشد (آندویگ، ۱۳۸۸: ۲۱). پارتی‌بازی یک مکانیسم پایه‌ی سیاسی در بسیاری از کشورهای نیمه‌دموکراتیک و قدرت طلب است. مثلاً در اکثر نظام‌های غیردموکراتیک، رئیس‌جمهور حق آن را دارد که تمام پست‌ها و مقام‌های ارشد یا یک حق قانونی را که احتمالات پارتی‌بازی را افزایش می‌دهد، به افراد خاص اختصاص دهد. این کار به راحتی به صدها جایگاه و مقام موجود در درون وزارتخانه‌ها، سیستم‌های نظامی و امنیتی، شرکت‌های عمومی وابسته، جایگاه‌های دیپلماتیک و گروه‌های حاکم می‌افزاید. خویشاوندگرایی (تبارگماری)^۳ نوعی خاص از پارتی‌بازی است که در آن، مقامات دولتی اعضای خانواده و اقوام خود (همسر، برادر، خواهر، فرزند، خواهرزاده، برادرزاده، پسر عمو، پسردایی و غیره) را در اولویت قرار می‌دهند. بسیاری از مدیران سعی کرده‌اند جایگاه و قدرت خود را از طریق انتساب اعضای خانواده در موقعیت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی کلیدی در نظام دولت تنظیم کنند (آندویگ، ۱۳۸۸: ۲۲).

1. Extortion

2. Favouritism

3. Nepotism

۳- فساد اقتصادی در برابر رانت جویی

رانت جویی^۱ و فساد دو پدیده‌ی کاملاً مرتبط به هم هستند و در رویکرد تئوری انتخاب عمومی فساد قبل از هر چیز یک رفتار رانت‌جویانه است. کروگر فساد را یکی از روش‌های تحصیل رانت‌ها و یکی از اشکال رانت‌جویی می‌داند. تانزی نیز رشوه را یکی از روش‌های دستیابی به رانت‌ها می‌داند و معتقد است که مشکل است بتوان خط جدا کننده‌ای بین رانت‌جویی و فساد کشید (خضری، ۱۳۸۳: ۵۸). فساد و رانت‌جویی محصول فرعی مداخله‌ی دولتی در اقتصادند و متعاقب تنظیم اقتصاد توسط دولت - به بهانه‌ی اصلاح موارد شکست بازار^۲ - اتفاق می‌افتد. به همین علت، برخی معتقدند که جامعه باید بین موارد شکست بازار و فساد (یا رانت‌جویی) یکی را انتخاب کند. به بیان دیگر، فساد و رانت‌جویی با کاهش نقش دولت در اقتصاد کاهش می‌یابند. اگرچه همپوشانی‌های زیادی بین رانت‌جویی و فساد وجود دارد، ولی لزوماً هر اقدام فسادآمیزی رانت‌جویی نیست و بر عکس. رشوه‌ای که یک تنظیم‌کننده‌ی اقتصاد در ازای تخصیص یک مجوز دریافت می‌کند هم فساد است و هم یک رفتار رانت‌جویانه. اما بهره‌برداری از منابع عمومی جهت انتفاع شخصی فساد هست، ولی رفتار رانت‌جویانه نیست. همچنین اگر بوروکرات‌ها به منظور افزایش حقوق و مزایایشان با قانون‌گذاران جهت تصویب قانونی در این زمینه لابی کنند، چنین رفتاری رانت‌جویی هست، اما فساد نیست (خضری، ۱۳۸۳: ۶۰). رانت جویی یا تلاش برای کسب رانت، همواره غیرقانونی یا غیراخلاقی یا حتی غیراقتصادی نیست؛ از نظر توسعه نیز چنانچه در زمینه‌های برخوردار از بهره‌وری مجدداً سرمایه‌گذاری شود، غیراقتصادی نیست؛ هر چند که به طور عمومی ضدتولیدی، اتلاف آمیز، و در بسیاری از موارد متناظر با ناکارایی اقتصادی است (رهبر و دیگران، ۱۳۸۱: ۹). در بخش‌های آینده به طور کامل به بررسی رانت‌جویی و چگونگی عملکرد آن در مناقصات دولتی می‌پردازیم.

۴- شاخص‌های اندازه‌گیری فساد اقتصادی

برای افزایش آگاهی مردم نسبت به عملکرد مقامات در رابطه با مبارزه با فساد اقتصادی و همچنین افزایش آگاهی مقامات کشور از میزان پیشرفت دستگاه‌های مختلف در مبارزه با فساد و در نهایت جهت ایجاد تصویر روشن و همه جانبه از میزان فساد در کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی، تعیین شاخص‌هایی که نمایانگر وضعیت کشور در این رابطه باشد امری ضروری است (همدمی، ۱۳۸۳: ۵۱). برای تعیین شاخص‌های سنجش فساد از سه روش به شرح زیر می‌توان استفاده کرد: روش اول: تعیین شاخص بر اساس علل و زمینه‌های فساد مالی و راهکارهای مبارزه با آن است. بر این مبنای، میزان فساد به نسبت تغییرات ایجاد شده در علل و زمینه‌ها و راهکارها، به طور غیر مستقیم مشخص می‌شود. در این روش شاخص‌ها و آمارهای رسمی و غیر رسمی کشور در خصوص متغیرهای ذی‌ربط پایه‌ی کار قرار می‌گیرد. روش دوم: استفاده از نظر سنجی یا افکار سنجی است. در این روش، اطلاعات حاصله از پرسشنامه و مصاحبه، مبنای اظهار نظر قرار می‌گیرد. در این تحقیق فقط به بررسی این روش می‌پردازیم. روش سوم: برای اندازه‌گیری فساد، از آمار جرایم و تخلفات مالی و اقتصادی استفاده می‌شود. این آمارها از منابعی همچون سازمان‌های بازرسی، حسابرسی، نیروی انتظامی، دستگاه قضائی و دیگر سازمان‌های انتظامی و نظارتی استخراج می‌شود.

۴-۱- شاخص‌های مبتنی بر افکار سنجی

این نوع سنجش فساد، مبتنی بر نظر سنجی از مردم و گروه‌های مختلف و سنجش نظرات ایشان درباره‌ی میزان فساد رایج در نهادها یا کل جامعه است. در این گونه پیمایش‌ها معمولاً نظرات نخبگان سیاسی، مقامات دولتی، اهل کسب و کار، متخصصان و عموم مردم درباره‌ی وجود و رواج فساد در جامعه پرسیده می‌شود. دیدگاه‌های نخبگان از آن جهت اهمیت دارد که نگرش‌های ایشان به شکل‌گیری اقدامات ضد فساد تأثیر دارد (قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷: ۴۴). در دنیا شاخص‌های مختلفی بر مبنای مذکور تعیین و بر اساس آن عمل شده است، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1. Rent-Seeking

2. Market Failure

۴-۱-۱- شاخص ادراکی فساد

شاخص ادراکی فساد (CPI)^۱ یکی از شاخص‌های رایج و پذیرفته شده در مطالعات مربوط به فساد اقتصادی بوده است و از جامعیت بالایی برخوردار است. این شاخص به وسیله‌ی گروهی از محققان در دانشگاه گوتینگن^۲ به ریاست یوهان لمبزدورف^۳ تعیین می‌شود. در این شاخص، میزان پرداخت و دریافت رشوه، میزان ارتکاب به اختلاس و جرایم مشابه از سوی مقامات سیاسی و اداری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. شاخص مذکور در طول مقیاس صفر تا ده رتبه‌بندی شده است. بر اساس آن، نمره‌ی ۱۰ به کشوری مربوط می‌شود که در آن فساد وجود ندارد و نمره‌ی صفر به کشوری مربوط است که دارای بیشترین فساد است. این شاخص همانطور که از عنوان آن مشخص است، مبتنی بر ذهنیت و تصور افراد از فساد است و این ذهنیت‌ها و تصورات می‌تواند با واقعیت‌های مربوط به فساد و خود فساد تفاوت داشته باشد (همدمی، ۱۳۸۳: ۵۳). شاخص ادراکی فساد در سال ۱۹۹۹ شامل ۹۹ کشور بوده است. این شاخص بر اساس ۱۷ آمارگیری و همه‌پرسی گوناگون، توسط ۱۰ سازمان مستقل و سازمان شفافیت بین‌المللی انجام گرفته است.^۴ هیچ یک از این پژوهش‌ها، صرفاً به فساد مالی نپرداخته است، بلکه در برگیرنده‌ی چند موضوع مرتبط به هم درباره‌ی توسعه و تجارت هستند، اما سازمان بین‌المللی شفافیت مالی فقط از داده‌های مربوط به فساد مالی استفاده می‌کند. از این رو، شاخص سازمان بین‌المللی شفافیت مالی بر اساس اطلاعات آرایه شده از سوی کارشناسان خود سازمان نیست، بلکه از میانگین سنجش شده‌ی ۱۷ شاخص گوناگون از ۱۰ سازمان مختلف تدوین شده است. بیشتر این شاخص‌ها بر اساس پرسش‌های عمومی و نسبتاً مبهم در مورد سطح و بسامد فساد مالی از نظر کارشناسان یا مدیران مؤسسه‌های بازرگانی است. حدود نیمی از آن‌ها بر مبنای دیدگاه‌های کارشناسی دارای سنجشگرهای درونی است که اطمینان از هماهنگی سطح کشوری را فراهم می‌آورد. نیم دیگر، اساساً بر پایه‌ی پرسشنامه‌هایی است که برای مدیریت‌های میانی و سطح بالای مؤسسه‌های بین‌المللی یا داخلی ارسال شده است (رهبر و دیگران b، ۱۳۸۱: ۲۰). طبق نظر سازمان بین‌المللی شفافیت مالی، هیچ یک از این منابع، یک چارچوب نمونه‌برداری بزرگ یا روش‌شناسی مطمئن برای ارزشیابی‌های مقایسه‌ای قابل اطمینان به دست نمی‌دهد. از این رو، سازمان بین‌المللی شفافیت مالی، یک شاخص ترکیبی را به عنوان دقیق‌ترین ابزار آماری جامع برای سنجش نظرهای مربوط به فساد مالی انتخاب کرده است. سازمان بین‌المللی شفافیت مالی معتقد مدعی است که ترکیب چند منبع، یکی از عمده‌ترین نقاط قوت شاخص مفهومی فساد است؛ زیرا قابلیت اطمینان شاخص را افزایش و احتمال سوء تفسیر پاسخ‌های به دست آمده از کشورهای منفرد را کاهش می‌دهد. بعلاوه، همه‌پرسی‌ها، کشورهای گوناگون را در بر می‌گیرد و لزومی ندارد که هر کشور حتماً در هر ۱۰ منبع موجود باشد. برای اینکه یک کشور در شاخص گنجانده شود، باید حداقل در پرسشنامه‌های سه مؤسسه‌ی گوناگون درج شده باشد. همچنین داده‌های پرسشنامه‌ها، باید به شرایط جاری مربوط شود و بیش از سه سال از انجام آنها نگذشته باشد (رهبر و دیگران b، ۱۳۸۱: ۲۳).

اما در این شاخص فرض بر این است که فساد مالی، پدیده‌ای یک بعدی است که در امتداد یک طیف واحد تغییر می‌کند. با وجود این، چنانچه در بخش‌های قبل بیان شد، فساد مالی دارای ابعاد متعدد از جمله اختلاس، رشوه‌خواری و اخاذی است. همچنین این شاخص، بین تنوع رفتار تفاوتی قایل نمی‌شود؛ ضمن آنکه تفاوت‌های گسترده‌ای در نحوه‌ی سازمان دهی فساد مالی، چگونگی مصرف عواید آن و غیره وجود دارد. این گوناگونی‌ها، احتمالاً پیامدهای اقتصادی متفاوتی به وجود می‌آورد.

۱. Corruption Perception Index

۲. Gottingen University

۳. Johann Lambsdorff

۴. سازمان‌های مذکور عبارتند از خانه آزادی FH، گالوپ بین‌المللی GI، واحد اطلاعات مخفی اقتصاددانان EIU، انستیتوی توسعه مدیریت IMD، گروه کار بین‌المللی، گروه مشاوره ریسک سیاسی و اقتصادی PERC، خدمات ریسک سیاسی PRS، وال استریت ژورنال، نشریه اقتصادی اروپای مرکزی CEER، بانک جهانی WB و دانشگاه بال UB و مرکز اقتصادی جهان WEF. برخی از این سازمان‌ها مراکز غیر انتفاعی و بعضی از آنها در اطلاع‌رسانی استراتژیک تجاری و تحلیل بازار تخصص دارند.

شاخص ادراکی فساد بین فساد مالی کلان و جزئی نیز تمایزی قایل نمی‌شود. آنچه این شاخص نشان می‌دهد، آن است که پاسخ دهنگان انتخابی چه تلقی و تصویری از فساد مالی دارند.

چون شاخص ادراکی فساد بر پایه تصورات ذهنی استوار است، لذا گستره‌ی حقیقی فساد را در یک کشور نمودار نمی‌سازد. شاخص ادراکی فساد ممکن است در مناطق فقیرتر جهان با تعصب و جانبداری همراه باشد. برای مثال، نباید تصور کرد که یک نمره‌ی مشابه در کشورهای مختلف و در سطوح گوناگون توسعه معنا و مفهوم یکسانی دارد. با این حال، تصورات ادراکی افراد در مورد فساد مالی، برای آنچه واقعاً اتفاق می‌افتد، ممکن است دارای اهمیت باشد. برای مثال، صرف این باور که مقام‌های دولتی متقلب هستند، بر اعتماد داد و ستد و به نوبه‌ی خود بر رفتار سرمایه‌گذاری مؤثر است (رهبر و دیگران b، ۱۳۸۱: ۲۴). در آخرین گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی که در سال ۲۰۱۰ منتشر شده است، به مقایسه‌ی ۱۷۸ کشور جهان از نظر شاخص ادراکی فساد پرداخته شده است. لیست کامل کشورها و رتبه‌ی آنها در پیوست شماره‌ی یک قابل مشاهده می‌باشد. بر اساس این آمار از میان ۱۷۸ کشور جهان، کشورهای دانمارک، نیوزیلند، سنگاپور، فنلاند و سوئد در میان کم‌فسادترین کشورهای جهان قرار دارند و کشورهای سومالی، افغانستان، برمه، عراق، ازبکستان و ترکمنستان نیز پرفسادترین کشورهای جهان محسوب می‌شوند. همچنین در این آمار جمهوری اسلامی ایران با ۲۲ پله ارتقا نسبت به سال ۲۰۰۹، رتبه ۱۴۶ (با شاخص ادراکی ۲/۲) را دارد.

۴-۱-۲- شاخص نسبت رشوه

در شاخص نسبت رشوه^۱، تمایل و گرایش فعالان تجاری و اقتصادی به پرداخت رشوه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. نسبت مذکور از تقسیم میزان رشوه‌ی پرداخت شده به درآمد این اشخاص به دست می‌آید. در این شاخص نیز داده‌های مورد استناد از اظهارات افراد جمع‌آوری می‌شود و میزان صحت و اعتبار آن بستگی به میزان صداقت پاسخ‌دهندگان به سؤالات مطرح شده دارد (همدمی، ۱۳۸۳: ۵۴).

۴-۱-۳- شاخص کسب و کار بین‌الملل

در شاخص کسب و کار بین‌الملل (BI)^۲، کشورها بر اساس میزان مبادلات بازرگانی که شامل فساد یا پرداخت‌های مشکوک است، از یک تا ده رتبه‌بندی شده‌اند. این شاخص به لحاظ داده‌های آماری، مبنای قابل اتکای دقیقی ندارد (همدمی، ۱۳۸۳: ۵۴).

۴-۱-۴- شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری

در شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری (ICRS)^۳، دیدگاه‌های کارشناسان خبره، مبنای تعیین عوامل تشکیل‌دهنده‌ی شاخص قرار می‌گیرد (همدمی، ۱۳۸۳: ۵۴).

۴-۱-۵- شاخص گزارش رقابت پذیری جهانی

مبنا در شاخص گزارش رقابت‌پذیری جهانی (GCR)^۴، مقادیر به دست آمده از پاسخ‌های مدیران بنگاه‌های اقتصادی است. این شاخص مقادیری از یک تا هفت را در بر می‌گیرد و میزان پرداخت‌های اضافی خلاف قانونی برای اخذ مجوز صادرات و واردات، تشخیص و تعیین مالیات و دریافت وام را مشخص می‌کند (همدمی، ۱۳۸۳: ۵۴).

۵- عوامل مؤثر در ایجاد فساد اقتصادی

عوامل مؤثر بر فساد مالی را می‌توان به عوامل مستقیم و غیر مستقیم به صورت زیر تقسیم بندی نمود:

¹. Bribe Ratio

². Business International

³. International Country Risk Guide

⁴ Global Competitiveness Report

۵-۱- عوامل مستقیم موثر بر فساد اقتصادی

اصولاً فساد ریشه در فعالیتهای دولتی دارد. به عبارت دیگر مجموعه فعالیتهای تصدی‌گرایانه‌ی (اقتصادی) دولت در مواردی که با انحصار، قدرت و اختیارات دولتی همراه باشد، باعث اشاعه‌ی فساد می‌شود. شاید کوچک‌سازی حجم دولت به کاهش دامنه و عمق معضل فساد در جامعه بینجامد، اما مشکل اصلی در کمیت و میزان فعالیتهای اقتصادی بخش دولتی نیست، بلکه نحوه‌ی عملکرد و روش فعالیتهای دولتی نیز بسیار حایز اهمیت است (رهبر و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۰۳). مجموعه‌ی فعالیتهای دولت خود به خود زمینه‌های زیادی برای مفسد ایجاد می‌کند که به بررسی آنها می‌پردازیم:

۵-۱-۱- قوانین، آیین‌نامه‌ها، مجوزها و اختیارات دولتی

در بسیاری از کشورها، دولت با استفاده از مجموعه‌ی قوانین و مقرراتی که در اختیار دارد، به اداره‌ی امور کشور پرداخته و مردم برای انجام بسیاری از فعالیت‌ها باید مجوزها و امتیازات لازم را از دولت اخذ کنند. وجود مقررات و اختیارات مذکور، نوعی قدرت انحصاری برای مقامات صادر کننده مجوز فراهم می‌کند، به طوری که به آسانی می‌توانند از صدور مجوزهای لازم امتناع کرده یا از افراد نیازمند مجوز، رشوه دریافت کنند (Tanzi, 1998).

۵-۱-۲- وضع مالیات و عوارض گمرکی (مالیات بندی)

چنانچه قوانین مالیاتی واضح و شفاف باشند و بین مالیات‌دهندگان و مأموران مالیاتی ارتباطی وجود نداشته باشد، زمینه‌های بروز فساد تا حد زیادی کاهش می‌یابد. اما هنگامیکه:

- قوانین مالیاتی مبهم باشد و بتوان آنها را به صورت‌های مختلف تفسیر کرد؛
- پرداخت مالیات مستلزم ارتباط مستمر بین مالیات‌دهندگان و مقامات مالیاتی باشد؛
- حقوق مدیران مالیاتی اندک باشد؛
- از تخلفات مقامات مالیاتی چشم پوشی شود؛
- روش‌های اداری و اجرایی شفافیت لازم را نداشته باشد؛
- مدیران مالیاتی قدرت و اختیارات زیادی در تصمیم‌گیری‌های اساسی داشته باشند؛
- نظارت مأموران دولتی بر مأموران مالیاتی ضعیف باشد؛

فساد مالی در ادارات مالیاتی و گمرکی به معضل بزرگی تبدیل خواهد شد (Tanzi, 1998).

۵-۱-۳- تصمیم‌گیری در مورد مخارج

فساد مالی، هزینه‌های دولتی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. مثلاً با توجه به اختیارات بعضی از مقامات بلندپایه درباره‌ی طرح‌های سرمایه‌گذاری دولتی، سوء استفاده از مخارج مربوط به این طرح‌ها به سادگی امکان‌پذیر است. این مسئله ضمن کاهش بهره‌وری مخارج، منجر به ایجاد پروژه‌هایی می‌شود که با معیارهای مورد نظر برای انتخاب سرمایه‌گذاری مانند تحلیل هزینه - فایده مطابقت ندارد (Tanzi, 1998).

۵-۱-۴- تدارک کالاها و خدمات به قیمت زیر قیمت‌های بازار

در بیشتر کشورها، دولت‌ها به تهیه‌ی کالاها، خدمات و منابع به قیمتی پایین‌تر از قیمت‌های بازار می‌پردازند. به عنوان مثال تهیه‌ی ارز، اعتبارات، برق، آب، مسکن عمومی، برخی از کالاهای سهمیه‌بندی شده، دسترسی به تحصیل و تسهیلات سلامتی، دسترسی به زمین دولتی و مانند اینها، بستر مستعدی برای فساد بوده‌اند. در برخی از کشورها، برخی افراد به خاطر دسترسی به مقادیر عظیم اعتبارات یا ارز به قیمت‌های زیر قیمت بازار، منافع عظیمی کسب کرده‌اند. در برخی مواقع به دلیل محدودیت عرضه، سهمیه‌بندی یا نوبت‌دهی غیر قابل اجتناب می‌شود. مازاد تقاضا ایجاد می‌شود و باید در مورد تقسیم این عرضه محدود تصمیم گرفته شود. این تصمیمات اغلب توسط کارمندان دولت صورت می‌گیرد. کسانی که خواهان این کالا هستند تمایل به پرداخت رشوه برای دسترسی (یا دسترسی بیشتر) به این کالاها که دولت آن را فراهم می‌کند، خواهند داشت. بنابراین تعجب آور نیست که در تمام حوزه‌های فوق‌الذکر، مورادی از فساد گزارش شده است (Tanzi, 1998).

۵-۱-۵- تأمین مالی احزاب

یکی از مشکلات اساسی نظام مردم سالاری تأمین مالی فعالیت احزاب سیاسی می‌باشد. در صورتی که اعتبارات دولتی برای حمایت از فعالیت احزاب مهیا نباشد، به ناچار تلاش‌ها و فشارهای بی‌رویه‌ای برای تأمین اعتبارات اعمال خواهد شد (Tanzi, 1998).

۵-۱-۶- سایر تصمیم‌گیری‌های صلاح‌دید

در بسیاری از کشورها برخی از مقامات دولتی، نفوذ و اختیار زیادی در تصمیم‌گیری‌های مهم دارند. در چنین مواردی احتمال بروز فساد مالی به میزان زیادی افزایش می‌یابد. مهمترین حوزه‌های فساد مالی عبارتند از:

- تصمیم‌گیری در مورد کاربری زمین‌های خصوصی؛
- اعطای تشویق‌های مالیاتی به افراد خاص؛
- تصمیم‌گیری در مورد استفاده از مراتع و جنگل‌های دولتی و واگذاری امتیاز بهره‌برداری از آن؛
- تصمیم‌گیری درباره‌ی صدور مجوز برای تصمیم‌گیری کلان خارجی؛
- تصمیم‌گیری در مورد فروش دارایی‌های بخش دولتی؛
- تصمیم‌گیری‌های منجر به انحصار در زمینه فعالیت‌های صادراتی و وارداتی.

چنین تصمیم‌گیری‌هایی برای افراد یا شرکت‌ها بسیار مهم است و برخی از آنها تلاش می‌کنند با پرداخت رشوه و استفاده از روابط شخصی، فرایند تصمیم‌گیری مقامات دولتی را تحت تأثیر قرار دهند (Tanzi, 1998).

۵-۲- عوامل غیرمستقیم موثر بر فساد اقتصادی

۵-۲-۱- کیفیت کار نظام دیوان سالاری

کیفیت کار نظام‌های دیوان‌سالار در کشورهای مختلف متفاوت است و در برخی کشورها مشاغل دولتی، اعتبار و وجهه‌ی اجتماعی زیادی برای کارکنان به همراه دارد. نتایج برخی تحقیقات (راچ و اوانس) نشان می‌دهد، هر اندازه که استخدام و ترفیع کارکنان بر اساس شایسته‌سالاری نباشد، دامنه‌ی فساد مالی افزایش می‌یابد (Tanzi, 1998).

۵-۲-۲- سطح دستمزد در بخش دولتی

محققان دریافته‌اند که میزان حقوق و مزایای کارکنان دولت، نقش مهمی در افزایش یا کاهش فساد مالی ایفا خواهد کرد. به عبارت دیگر فساد مالی، برخاسته از حرص و طمع یا به دلیل نیاز مالی است. اسر لایندبک^۱ معتقد است که کم بودن میزان فساد مالی در سوئد تا حدودی به این دلیل است که حقوق مدیران و مقامات بلند پایه، ۱۲ تا ۱۵ برابر میانگین حقوق کارگران صنعتی است. در سال‌های اخیر، کشورهایی مانند آرژانتین و پرو تلاش کرده‌اند تا با افزایش حقوق کارمندان، فساد مالی را به‌ویژه در حوزه‌های حساسی مانند اداره‌های گمرکی و مالیاتی کاهش دهند. علاوه بر این سعی کرده‌اند تفاوت دستمزدها را حفظ کنند تا بتوانند همچنان بهترین، تواناترین و درست‌کارترین کارمندان را جذب کنند (Tanzi, 1998).

۵-۳-۳- سیستم تنبیه و مجازات

بر اساس مطالعه‌ی طرح کلاسیک پیشگیری از تخلفات که گری‌بکر^۲ آن را انجام داده است، با فرض برخورد با افرادی که مرتکب فساد مالی می‌شوند، مجازات‌های در نظر گرفته شده، نقش مهمی در کاهش احتمال وقوع جرم داشته است. از لحاظ نظری، با فرض ثابت ماندن سایر شرایط، افزایش مجازات‌ها باعث کاهش فساد مالی می‌شود هرچند ممکن است این مسئله به درخواست رشوه‌ی بیشتر برای انجام کارهای غیرقانونی بینجامد. هنگامی که فساد مالی گسترش می‌یابد، زبان‌های اجتماعی افشای آن را - مانند از دست دادن دوستان - افزایش خواهد داد. قضات نیز ممکن است دچار لغزش شده یا انگیزه‌های سیاسی مانع از انجام وظیفه‌ی آنها شود. حتی این احتمال وجود دارد که متهمان و متخلفان به آنها رشوه پرداخت کنند و مسیر دادرسی را به نفع خود تغییر دهند (Tanzi, 1998).

1. Assar Lindbeck

2. Gary Backer

۵-۲-۴- کنترل های نهادی و نظارت های سازمانی

به طور کلی، مؤثرترین و کاراترین نظارت‌ها، آنهایی هستند که در درون سازمان‌ها و نهادها وجود داشته باشد. مدیران درستکار، با لیاقت و کارآمد، مراکز حسابرسی دقیق و قوانین شفاف مبتنی بر اصول اخلاقی، همه می‌توانند از بروز تخلفات و مفاسد اقتصادی جلوگیری کنند. در بسیاری از کشورها مانند سنگاپور، هنگ‌کنگ و آرژانتین، کمیسیون‌ها یا مراکزی برای مبارزه با فساد تشکیل شده است. برای اینکه مراکز مزبور بتوانند به درستی به وظایف خود عمل کنند، باید در برابر احزاب سیاسی، مراکز قدرت و شخصیت‌های بلند پایه و قدرتمند از استقلال کافی برخوردار باشند (Tanzi, 1998).

۵-۲-۵- شفافیت در مقررات، قوانین و روش‌ها

در بعضی موارد، به دلیل نبود شفافیت در قوانین و مقررات دادرسی، زمینه‌های مساعدی برای فساد مالی فراهم شده است. گاهی قوانین و مقررات به نحوی تنظیم می‌شود که فقط حقوق دانان کارآزموده قادر به فهم آن هستند و معمولاً احکام این قوانین درباره‌ی مسائل اساسی مبهم بوده و تفسیرهای متعددی از آن‌ها می‌شود (رهبر و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۱۳).

۵-۲-۶- رفتار رهبران و مقامات جامعه و الگوی ارائه شده توسط آنان

آخرین عامل تأثیرگذار بر فساد، رفتار رهبران جامعه به عنوان الگو و سرمشق است. در صورتیکه رهبران بلندپایه‌ی سیاسی، الگوی مناسبی نباشند و خود مرتکب اعمال خلاف قانون شوند یا از تخلفات خویشاوندان، دوستان و هواداران سیاسی خود چشم‌پوشی کنند، نمی‌توان از کارکنان دولت انتظار عملکرد درستی داشت (Tanzi, 1998).

۶- ابزارهای فساد مالی

مفاسد مالی و اقتصادی با استفاده از ابزارهای مختلفی صورت می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سوء استفاده از قوانین و مقررات: مهمترین ابزار فساد مالی و اقتصادی، سوء استفاده از قوانین نامناسب موجود، نبود قوانین و مقررات در پاره‌ای موارد و شفاف نبودن بسیاری از قوانین و مقررات است.
۲. فرار از پرداخت جریمه‌ها: جریمه‌های نقض احتمالی یا عملی قواعد حقوقی موجود؛ مانند قوانین راهنمایی و رانندگی، قوانین ساختمان‌سازی در شهرداری و قوانین حفظ محیط زیست در واحدهای صنعتی.
۳. کنترل بر قراردادهای خرید: بسیاری از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی با توجه به ماهیت کار خود و روال طولانی کار در گذشته، مستقیماً با شرکت‌های خارجی و داخلی قراردادهای هنگفت خرید منعقد می‌کنند. تبانی بین خریدار و فروشنده به روش‌های مختلف برای دریافت پورسانت و رشوه با استفاده از این ابزار صورت می‌گیرد.
۴. کنترل بر قراردادهای سرمایه‌گذاری دولتی: تشخیص و انتخاب پیمانکاران طرح‌های بزرگ عمرانی و زیر بنایی (مانند احداث جاده، فرودگاه، پل و ...) که از اختیارات کارکنان دولتی است، می‌تواند به گونه‌ای صورت گیرد که به نفع پیمانکاران خاصی تمام شده و باعث سوق دادن اعتبارات به سوی بعضی مناطق خاص شود. نظارت بر اینگونه قراردادهای و تأیید گزارش‌های کار برای انجام پرداخت‌ها، برآوردهای حجم کار که میزان پرداخت‌ها را مشخص می‌کند و همچنین تأیید انجام کار نهایی طبق قرارداد و تحویل کاری که در واقع خاتمه نیافته است، همه ابزارهایی در دست مدیران، کارشناسان و هیئت‌های ناظر و مشاور است که می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد.
۵. برنامه‌ی انگیزشی مالیاتی و اعتباری: برنامه‌های مربوط به ایجاد انگیزه‌های مالیاتی، اعتبارات ارزان قیمت با بهره‌ی کم، ارز خارجی با نرخ‌های ترجیحی، اعطای یارانه‌ها به تولید و مواد اولیه و سوخت، وام‌های بانکی کم بهره برای موارد خاص، قیمت‌گذاری بر کالاهای وارداتی یا صادراتی یا مشوق‌ها و جوایز صادراتی از جمله مواردی هستند که می‌توانند زمینه ساز بروز فساد باشند.
۶. کنترل بر استخدام: کنترل بر استخدام و ترفیع، که گاه به خرید و فروش مشاغل نیز منجر می‌شود احتمال بروز فعالیت‌های فساد آلود را بیشتر می‌کند.
۷. کنترل مزایا: کنترل بر تخصیص مزایا مانند مستمری بازنشستگی یا از کارافتادگی، بورس‌ها و کمک‌ها احتمال وقوع فساد را افزایش می‌دهد.

۸. نحوه‌ی ارائه خدمات دولتی: کنترل بر دسترسی به خدمات دولتی مانند آب و برق و تلفن، زیر قیمت معمول نیز در بروز فساد مؤثر است.

۹. تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور مالیاتی: اختیاراتی مانند حسابرسی، تعیین و برآورد درآمد، تشخیص و... از جمله ابزارهای تصمیم‌گیری مالیاتی هستند. لازم به ذکر است که هر قدر حوزه‌ی استفاده از این ابزارها در یک کشور وسیع‌تر باشد، احتمال بروز فساد نیز بیشتر خواهد بود.

داشتن کنترل بر ابزارهای یاد شده، به کارکنان دولت قدرت زیادی می‌دهد تا در صورت وجود زمینه‌های اجتماعی مناسب و انگیزه‌های لازم و فقدان مجازات‌های متناسب و روشن، بتواند برای خود و وابستگان و آشنایانشان مزایای زیادی را کسب کنند. وقتی کارکنان دولتی ابزارهایی را که دولت برای تأثیرگذاری بر اقتصاد کشور و رفع نارسایی‌های اقتصادی در اختیار آنها قرار داده است، به نفع خود و وابستگانشان به کار گیرند، در واقع به قدرت دولت لطمه زده و توان دولت را برای ایفای نقش مطلوب و اصلاحی خود کاهش می‌دهند. در این حالت شاهد نوعی خصوصی‌سازی قدرت دولت هستیم که در جریان آن، قدرت دولت به جای انتقال به بازار، به کارکنان دولت و بوروکرات‌ها می‌رسد و در نهایت به عملکرد بازار نیز لطمه می‌زند (تدبیر اقتصاد a، ۱۳۸۲: ۲۷-۲۵).

۷- آثار فساد اقتصادی

اغلب نظریاتی که در مورد وجود و شیوع فساد مالی در جوامع، شکل گرفته و بیان می‌شوند، مدعی آن هستند که فساد مالی مانعی بر سر راه پیشرفت، توسعه و بالندگی کشور و جامعه‌ی جهانی خواهد بود. علت این مدعا را می‌توان در ادامه‌ی این تحقیق و بیان پیامدهای فساد اقتصادی، مشاهده نمود. اما نظریه‌ای که فساد را مسهل توسعه می‌داند؛ برخی از پژوهشگران در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی بیان کردند؛ مضمون اصلی این استدلال آن است که ارتشاء می‌تواند راهی مؤثر برای دور زدن مقررات و قوانین مزاحم و دست و پاگیر در یک نظام غیر اثر بخش باشد. این بحث که فساد باعث ارتقای توسعه می‌شود، چنین مدعی است که فساد عنصر رقابت را وارد صنعت و فعالیت‌ها می‌کند که قبلاً کاملاً انحصاری بوده، پرداخت سنگین‌ترین رشوه‌ها یکی از ضوابط اصلی تخصیص منابع می‌باشد. همچنین، استدلال می‌کنند که در راهبرد ارتشاء، میانگین ارزش هزینه‌های زمانی معطل شدن در صف را تقلیل داده و در مواردی که دریافت و پرداخت رشوه و انجام فعالیت فسادآلود رواج داشته، مجاز باشد، کارمند را به تسریع در ارائه‌ی خدمات ترغیب می‌نماید. این گروه از نظریه‌پردازان مدعی هستند که فساد مالی ممکن است کارکرد اقتصادی را با روغن کاری چرخ‌های توسعه تقویت کند و به کارآفرینان این امکان را بدهد که از دام روش‌ها و کانال‌های اداری وقت‌گیر بگریزند؛ از طرفی، فساد با دادن این امکان به کسانی که وقت آنها با ارزش است این امکان را می‌دهد که مستقیماً به طرف اول صف حرکت کنند یا با تقدیم پروژه به آن شرکت‌هایی که سودآورترین هستند و بنابراین می‌توانند بالاترین مبلغ رشوه‌ها را بدهند و نتایج ثمربخش‌تری را به دست آورند (دادگر و معصومی نیا، ۱۳۸۶: ۳۰).

هرچند دیگر نظریات مشابه آنچه که ذکر شد، دیگر اعتبار نداشته، به گوش نمی‌رسد، بایستی گفت که این نظریه کاملاً دور است و هیچ‌کس نمی‌تواند فعالیت‌های اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از فساد را منکر شود؛ لذا به نقد نظریه بالا می‌پردازیم. استدلال اینکه فساد مثل روغن برای توسعه است و می‌تواند کارایی را ارتقا بخشد، دارای اشکالات فراوانی است؛ از جمله اینکه این نظریه اختیارات وسیع مدیران و تصمیم‌گیران را در جوامع فاسد نادیده می‌گیرد و این اختیارات می‌تواند رفتار رقبا را محدود کند، بدین معنی که اختیارات زیاد رفتار فساد آلود را توجیه می‌کند و موجب مقررات زائد و اختیارات بیش‌تر می‌شود. از طرفی این کار می‌تواند موجب تخلف از مقررات شده و به اهداف اجتماعی لطمه بزند و نیز تبعیض در جامعه گسترده می‌شود. مهم‌ترین بخش نظریه‌ی «فساد روغن توسعه» این است که ادعا می‌کند، فساد به مکانیسم‌های عرضه و تقاضا اجازه‌ی عمل کردن می‌دهد، این نظریه می‌گوید: «در شرایطی که برنده‌شدن در عقد یک قرارداد دولتی رقابت‌آمیز باشد، کسی که بیشترین رشوه را می‌دهد، برنده می‌شود و کم هزینه‌ترین شرکت قادر به پرداخت بیش‌ترین رشوه خواهد بود.» این بحث هرچند از لحاظ نظری و تئوری و زبانی زیبا می‌باشد، ولی در واقع غلط و باطل و مردود است، چرا که فراموش می‌کند که فساد به نوعی نشانگر سرقت از منابع عمومی است. این سوء استفاده‌های مالی و رشوه‌ها - چون که استفاده‌ای مفید از آنها نمی‌شود -

مخرب اقتصاد است و به ثبات جامعه ضربه می‌زند؛ بدین معنی که این تبادل پول و کالا در قالب رشوه‌های پرداختی تنها به جیب عاملان فساد رفته، نفعی برای جامعه و مردم نداشته، از طرفی آن‌ها را نسبت به اقدامات فاسد در آینده ترغیب و تشویق می‌کند (دادگر و معصومی نیا، ۱۳۸۶: ۲۲). از طرفی این تصور اشتباه است که توانایی ارائه‌ی بالاترین پیشنهاد، از کارایی در صرف هزینه‌ی کمتر سرچشمه می‌گیرد، چرا که این امر اغلب از کیفیت نازل می‌شود. به ندرت اتفاق خواهد افتاد که کسی پرداخت پول غیرقانونی را در معرض پیشنهادهای رقابتی قرار دهد، چرا که او محتاطانه کسی را بر می‌گزیند که بتواند برای فعالیت فسادآلود به وی اعتماد کند؛ در شرکت‌های فاسد، پنهان‌کاری یک ضرورت است. تلقی ارتشاء به عنوان ساز و کاری برای ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا این حقیقت را نادیده می‌گیرد که بسیاری از کالاهای دولتی را نمی‌توان به کسی اختصاص داد که بالاترین پیشنهاد را ارائه می‌کند. همچنین نظریه‌ای که فساد مالی را موجب انطباق عرضه و تقاضا می‌داند، بر این اساس استوار است که رشوه دهنده در ازای رشوه‌ای که پرداخته است، نتایج دلخواه خود را به دست می‌آورد و حال آنکه اغلب اینگونه نیست. ارتشاء و کسب درآمدهای نامشروع، هزینه‌ی اقتصادی گزافی را تحمیل می‌کنند؛ تخصیص استعدادهای به شیوه‌ی نادرستی صورت می‌گیرند؛ افراد فاسد تصمیمات نادرستی می‌گیرند، زیرا ترجیح می‌دهند که از طرح‌های زیر استاندارد، پیچیده، پرهزینه و سرمایه‌بر حمایت کنند تا اینکه آسان‌تر بتواند مبالغ هنگفتی را به سود خود برداشت نمایند و بدین خاطر است که ممکن است، یک طرح بزرگ پیچیده به احداث صدها طرح آموزشی و بهداشتی مثل مدرسه و درمانگاه ترجیح داده شود (دادگر و معصومی نیا، ۱۳۸۶: ۲۳). بالاخره اینکه بعضی معتقدند کسانی که زمانی برای آنها بسیار ارزشمند است، ترجیح می‌دهند که کارشان با پرداخت رشوه و انجام فعالیت‌های فاسد سریع‌تر انجام شود، در وقت صرفه‌جویی کنند و قبل از سایر افراد به مقصد برسند و بدین ترتیب مدعی هستند که پرداخت رشوه بسیار مؤثر و مفید می‌باشد، چرا که موجب صرفه‌جویی در وقت می‌شود، اما باید گفت آنهایی که به فعالیت‌های فاسد اشتغال دارند، وقت زیادی را تلف می‌نمایند. شواهدی از کشورهای مختلف وجود دارد که نشان می‌دهد، بین وسعت کارهای فاسد و میزان وقتی که مدیران صرف ملاقات با مسئولین دولتی برای جلب نظر آن‌ها می‌کنند، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد (دادگر و معصومی نیا، ۱۳۸۶: ۲۴).

۸-۱- پیامدهای اقتصادی

تأثیر فساد مالی بر وضعیت اقتصادی هر کشور، به اهداف فساد مالی و در واقع منافع خصوصی مورد نظر بستگی دارد. مطالعات نشان می‌دهد که فساد مالی گسترده برای روند رشد اقتصادی زیان‌آور است. اگر فساد مالی و جنایت‌های سازمان یافته در کنار یکدیگر قرار گیرد، روند امور قانونی تضعیف و تخصیص منابع دچار مشکل شده و مشروعیت سیاسی نیز تهدید می‌شود. فساد مالی تأثیر نامطلوبی بر طبقه‌ی فقیر و ضعیف جامعه دارد، زیرا موجب گرایش دولت به سمت طبقه مرفه می‌شود به طوری که در نهایت قادر نخواهد بود رفاه اقتصادی و امنیت اجتماعی را برای همگان تأمین کند. تضعیف امنیت اقتصادی، افزایش فعالیت‌های زیرزمینی، بی‌ثباتی در کشور، اختلال در سرمایه‌گذاری بلندمدت داخلی و خارجی، افزایش هزینه‌های معاملات تجاری و انحراف استعدادهای و اولویت‌های اقتصادی، تنها بخشی از آثار زیان‌بار فساد مالی به شمار می‌آید (قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷: ۱۴).

۸-۱-۱- تضعیف امنیت اقتصادی

یکی از مؤلفه‌های امنیت اقتصادی برای فعالان اقتصادی، محفوظ ماندن حقوق اشخاص از هرگونه تعدی خود سرانه است. به عبارت دیگر، به رسمیت شناختن مالکیت اشخاص و تضمین اجرای قراردادهای جزو اصول اولیه‌ی امنیت اقتصادی است. فساد مالی و فعالیت‌های مجرمانه، یکی از موانع اصلی بر سر راه امنیت اقتصادی، ایجاد شفافیت مالی و حکومت قانونی است، به طوری که زمینه‌ی فعالیت‌های تبهکارانه را گسترش داده و فعالیت‌های سازنده‌ی اقتصادی را کاهش می‌دهد (قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵).

۸-۱-۲- بی‌ثباتی در کشور

وقتی فساد مالی نهادینه شد، افشای آن نیز دشوار خواهد بود و دیگر نمی‌توان به آسانی با آن مقابله کرد. بنابراین یکی از آثار زیان‌بار آن بی‌اعتمادی مردم نسبت به نظام است. وقتی که مردم نسبت به دولت بی‌اعتماد شدند، ثبات دولت هم چندان پایدار

نمی‌ماند، زیرا در این حالت، انتصاب‌ها مبتنی بر روابط می‌شود، افراد خاصی از خدمات حمایتی، مجوزهای خاص و وام‌های بانکی برخوردار می‌شوند، کنترل ارزی حالتی تبعیض‌آمیز به خود خواهد گرفت، ممیزان مالیاتی، آن‌گونه که باید و شاید با فساد مقابله نمی‌کنند و حتی ممکن است با مجرمان مالی همکاری کنند. همه‌ی این عوامل دست به دست هم داده و ثبات سیاسی و اقتصادی کشور را به خطر می‌اندازد (قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵).

۸-۱-۳- افزایش فعالیت‌های زیر زمینی

مطالعه‌ی کافمن و دیگران (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که اگر فساد مالی گسترش پیدا کند، فعالیت‌های زیرزمینی و غیر قانونی مانند قاچاق، گسترش می‌یابد. گسترش قاچاق و فعالیت‌های زیر زمینی باعث کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود. وقتی درآمد دولت کاهش یابد، دولت برای جبران آن ناچار به افزایش نرخ مالیات می‌شود. افزایش نرخ مالیات نیز افزایش فشار مالیاتی بر فعالان اقتصادی را در پی دارد، در نتیجه آن‌ها به دنبال راه‌حلهایی برای رهایی از این وضعیت برمی‌آیند که ارتشاء یکی از آنهاست. گریز از پرداخت مالیات، درآمدهای دولت را کاهش دهد. از طرف دیگر، کاهش درآمد دولت باعث می‌شود دولت نتواند به کارکنان خود حقوق کافی پرداخت کند و این مسئله هم به فساد بیشتر می‌انجامد و همچنان این دور باطل تکرار می‌شود (قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵).

۸-۱-۴- اختلال در سرمایه‌گذاری درازمدت داخلی و خارجی

فساد مالی موجب سلب امنیت فعالان اقتصادی شده و در این حالت عمدتاً سرمایه‌گذاری‌های درازمدت دچار وقفه می‌شوند و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و زودبازده که به راحتی به سرمایه‌گذار قدرت مانور می‌دهد، گسترش می‌یابد. بنابراین به احتمال قوی، فرار سرمایه یکی از شایع‌ترین عوارض این مسئله خواهد بود که خود خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بخش‌های اقتصادی کشور وارد می‌کند. شواهد به دست آمده از مطالعات مقطعی تعداد زیادی از کشورها، گویای آن است که فساد سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را به میزان زیادی کاهش می‌دهد. به طوری که اگر فیلیپین می‌توانست فساد را به اندازه سنگاپور کاهش دهد، نسبت سرمایه‌گذاری این کشور به تولید ناخالص داخلی‌اش ۶/۶ درصد افزایش می‌یافت. ویی (۱۹۹۷) و مائورو (۱۹۹۷)، با بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دو جانبه از ۱۴ کشور سرمایه‌گذار در ۴۱ کشور میزبان در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، به این نتیجه رسیدند که فساد، سرمایه‌گذاری را تضعیف می‌کند. بسیاری از کشورهایی که از وجود فساد رنج می‌برند، برای ترغیب شرکت‌های چند ملیتی، انگیزه‌های مالیاتی قابل توجهی فراهم می‌آورند. آنها می‌توانند با کنترل فساد، دست کم همان مقدار سرمایه‌گذار خارجی را جذب کنند که با ایجاد این قبیل انگیزه‌های مالیاتی جذب می‌کنند (قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷: ۱۶). از طرف دیگر، فساد باعث تغییر جهت سرمایه‌گذاری بلندمدت و زیربنایی به سمت سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت در بخش‌های خدماتی می‌شود که این مسئله آثار زیان‌باری بر متغیرهای کلان اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های دراز مدت دولت دارد. زیرا سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت در سطح کلان، به دلیل ناپایداری و قدرت بالای خروج آن از کشور، صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره‌ی اقتصاد وارد می‌کند (قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷: ۱۷).

۸-۱-۵- انحراف اولویت‌ها

شماری از پیشستانان پژوهش در اقتصاد فساد، تأکید زیادی بر تأثیر فساد، در نحوه‌ی تخصیص اعتبارات عمومی دارند (کلیت گارد^۱ ۱۹۹۸؛ رز-آکرمن^۲ ۱۹۸۹)، تانزی و داوودی^۳ (۱۹۹۷) به این نتیجه رسیدند که فساد، سرمایه‌گذاری عمومی را افزایش می‌دهد، زیرا فرصت‌هایی را برای دست‌اندازی مقامات ارشد فراهم می‌آورد. فساد همچنین ترکیب هزینه‌های عمومی را از انجام فعالیت‌های مورد نیاز برای بهره‌برداری و نگهداری از تأسیسات، منحرف و به سمت خرید تجهیزات جدید هدایت می‌کند. به این ترتیب بهره‌وری سرمایه‌گذاری عمومی را به‌ویژه در بخش‌های زیربنایی، کاهش می‌دهد. در یک رژیم فاسد، مقامات دولتی

¹. Klitgaard

². Rose Ackerman

³. Tanzi and Davoodi

از اجرای طرح‌های بهداشتی اجتناب می‌ورزند، چون امکان کمتری برای رانت‌خواری در این طرح‌ها وجود دارد (قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷: ۱۷).

۸-۱-۶- تضعیف یا انحراف استعدادها

فساد مالی باعث می‌شود کسانی که استعداد و خلاقیتی دارند، از جایگاه شایسته‌ی خود برخوردار نشوند. زیرا در شرایط وجود فساد، حقوق اشخاص محفوظ نمی‌ماند و حق مالکیت اشخاص در ابتکارات، نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود، از این رو، استعدادها یا تضعیف می‌شود یا از بین می‌رود (قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷: ۱۷).

۸-۱-۷- افزایش هزینه معاملات تجاری

فساد مالی، اعتماد و اطمینان را در بازار از بین می‌برد و تأثیری منفی بر اعتبار نهادهای مالی کشورها دارد. کاهش اعتبار به دلیل وجود فساد، فرصت‌های مناسب جهانی و رشد پایدار را کاهش می‌دهد و باعث رشد جرایم سازمان‌یافته با اهداف کوتاه‌مدت می‌شود. از طرف دیگر فساد مالی باعث افزایش هزینه‌ی معاملات تجاری می‌شود. با افزایش هزینه‌ی معاملات، قدرت رقابت اقتصادی در کشور نسبت به کشورهای دیگر کاهش پیدا کرده و در نتیجه انگیزه‌ی فعالیت سالم اقتصادی از بین می‌رود (قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷: ۱۷).

۸-۱-۸- تأثیر بر فقرا

هر کجا فساد رواج یابد، رشد آسیب می‌بیند و این مسئله تأثیر شدیدی بر فقرا می‌گذارد. علاوه بر این، فقرا خدمات اجتماعی (مانند آموزش و بهداشت) کمتری دریافت می‌کنند. فساد، سرمایه‌گذاری زیربنایی را از پروژه‌های مربوط به کمک به تهیدستان دور کرده و امکان استفاده از وسایل کارآفرینی در بنگاه‌های با مقیاس کوچک را که برای رهایی از فقر مناسب هستند، سلب می‌کند. بدتر آنکه رژیم‌های فاسد غالباً قرار هزینه‌های دفاعی را بر هزینه‌ی مدارس و کلینیک‌های بهداشتی روستایی ترجیح می‌دهند. به عبارت دیگر، نوعی یک‌سونگری در سیاست‌گذاری به وجود می‌آید که توزیع درآمد را دچار مشکل می‌کند و منابع را از روستاها به سمت شهرها منحرف می‌سازد (قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷: ۱۸). گوپتا و دیگران (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که فساد از راه‌هایی مانند کاهش رشد، گرایش به مالیات‌های کاهشی، هدف‌گیری طرح‌های اجتماعی ناکارآمد، دسترسی نابرابر به آموزش، انحرافات سیاستی به نفع نابرابری در تملک دارایی، کاهش هزینه‌های اجتماعی و افزایش مخاطرات سرمایه‌گذاری برای فقرا، نابرابری درآمد و فقر را افزایش می‌دهد. همچنین، کافمن و دیگران نیز به این نتیجه رسیده‌اند که فساد، مرگ و میر نوزادان را افزایش و طول عمر و سواد را کاهش می‌دهد. به علاوه، در تحلیل شاخص فقر برنامه توسعه‌ی سازمان ملل (UNDP)، داده‌ها نشان می‌دهند که حتی پس از در نظر گرفتن تأثیر متغیر سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی، شاخص فقر مذکور ارتباطی منفی با شاخص‌های فساد دارد. تحلیل‌های کشوری که با استفاده از ابزارهای تحلیلی جدید در عرصه‌ی حکمرانی انجام شده‌اند، نشان می‌دهند که چگونه فساد به مثابه نوعی مالیات نزولی عمل می‌کند. به عنوان مثال، در اکوادور سهمی از درآمد خانوارهای فقیر که صرف رشوه به منظور دستیابی به خدمات عمومی می‌شود، سه برابر همین سهم در خانوارهای پر درآمد است. به همین ترتیب، در بررسی‌های تحلیلی گوناگونی که بر پایه‌ی نظر مأموران دولتی در آمریکای لاتین در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ استوار است، مشاهده شده است که دیوان‌سالارها در سازمان‌های آکنده از فساد و فاقد شایسته‌سالاری، با محدود کردن دسترسی فقرا به خدمات اساسی و کوتاهی در انجام سیاست‌های فقرزدایی، علیه فقرا تبعیض اعمال می‌کنند و برعکس، سازمان‌های شایسته‌سالار و کمتر فاسد دسترسی فقرا به این خدمات را افزایش می‌دهند (قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷: ۱۸).

۸-۲- سایر پیامدهای فساد

فساد اقتصادی علاوه بر تأثیر بر روی شاخص‌های اقتصادی، دارای تأثیرات سیاسی، فرهنگی - اجتماعی و اداری می‌باشد، که به طور خلاصه به آنها اشاره می‌کنیم:

الف - پیامدهای سیاسی: کاهش امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری واقع بینانه، تضعیف موقعیت دولت، ایجاد نارضایتی‌های عمومی و کاهش قدرت چانه‌زنی دولت در روابط بین‌الملل.

ب - پیامدهای فرهنگی و اجتماعی: تضعیف فرهنگ قبح اجتماعی ارتکاب فساد، کاهش آستانه‌ی تحمل اجرای عدالت، فرار مغزها، ایجاد شکاف طبقاتی، اختلال در فرآیندهای جامعه‌پذیری و گسترش سایر انواع فساد.

ج - پیامدهای اداری: عدم توانایی سازمان در انجام برنامه‌ریزی واقع‌بینانه به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات و آمار صحیح، عدم توانایی سازمان در رسیدن به اهداف تعیین شده، کاهش بهره‌وری نیروی انسانی و شکاف عمیق بین هزینه‌های سازمان و تولیدات آن، قدرت پیدا کردن کوتوله‌های فکری در عرصه‌های مختلف و همچنین افزایش نارضایتی مشتریان به دلیل عملکرد ضعیف سازمان (همدمی، ۱۳۸۷: ۲۰۵-۲۰۱).

۹- ریشه مفاسد اقتصادی در ایران

مبارزه با فساد آنچنان که باید و شاید از سوی جامعه به آن اقبال نشان داده نمی‌شود می‌توان گفت حداقل در میان اقشاری از جامعه که از تحصیلات نسبتاً پایین‌تری برخوردار هستند، به سختی به این باور می‌رسند که مبارزه با فساد جدی است. می‌ماند لایه‌های نخبگان و اقشار تحصیلکرده کشور که آنها سوالی دارند که چرا هیچ یک از مسئولانی که مدعی مبارزه با فساد هستند تا به امروز به این پرسش پاسخ نداده‌اند که چرا به‌رغم آنکه این همه سختگیری در انتصاب و گزینش مدیران اجرایی وجود دارد و همچنین با وجود آنکه مراقبتی به نسبت سایر کشورها موثرتر به نظر می‌رسد، تا این میزان فساد فراتر شده و رو به افزایش است؟ اگر روزی یک مقام و یا یک مسئول در کشورمان به این پرسش اساسی پاسخ داد، در آن زمان می‌توان اعتماد کامل به این موضوع داشت که مبارزه با فساد جدی‌تر شده‌است. در غیر این صورت اگر عده‌ای دستگیر و زندانی شوند و شفافیت لازم وجود نداشته باشد، آن دلایل و عواملی که فساد در آن به‌وجود می‌آید باقی خواهد ماند. اینکه گفته می‌شود یکی از راهکارهای مبارزه با فساد، شفافیت اقتصادی است، نیز می‌توان گفت مسائلی همچون راهکارهای افزایش سیستم‌های مراقبتی، شفاف‌سازی اقتصادی و... باید از حد شعار فراتر بروند. فقط و فقط تنها مساله اساسی در اقتصاد ایران این است که اقتصاد کشور یک اقتصاد دولتی است و منشأ مفاسد در اقتصاد دولتی نهفته است که خودبه‌خود ایجاد رانت می‌کند. مادامی که اقتصاد ایران دولتی باقی بماند فساد ریشه‌کن نمی‌شود.

نیاز است که ساختار اداری و تصمیم‌گیری کشور تغییراتی جدی پیدا کند و راه‌های مفسدان بسته شود. ساختار در کشور ما به‌گونه‌ای است که در مواردی رانت وجود دارد و سرمنشا فساد همین رانت‌هاست. کسانی که به برخی اطلاعات محرمانه واقف هستند، با استفاده از آنها اقدام به سودجویی در عرصه اقتصاد می‌کنند و این فساد به مرور گسترده می‌شود؛ تا حدی که شاهدیم برخورد با برخی مفسدان هزینه‌های سنگینی برای کشور در پی دارد. برای مقابله با این نوع فساد ما باید شرایط رانتی را حذف کنیم و با افزایش نظارت مانع از شکل‌گیری بستر فساد شویم. مشکل دیگری که در کشور ما باید به آن توجه شود، نبود نظارت مردمی در بسیاری از عرصه‌های اقتصادی است. تجربه نشان می‌دهد در کشورهایی که توانسته‌اند در مقابله با فساد گام‌هایی جدی بردارند، یکی از موثرترین مولفه‌ها در این زمینه، نظارت مردمی فعال بوده. متأسفانه با وجود آن که ما یک نظام مردم سالار دینی ایجاد کرده‌ایم و در پی اعتلای آن هستیم، چندان به امر نظارت مردمی و اهمیت این موضوع در مقابله با فساد توجه نکرده‌ایم. تا ساختارها تغییر نکند و اراده‌ای جدی برای ریشه‌کن کردن فساد به وجود نیاید، نمی‌توان امید جدی به ثمربخش بودن مقابله با مفسدین کرد. درخت همواره نیاز به مراقبت و هرس دارد اما زمانی که درخت فاسد شد، نیاز است تا از ریشه آن را کند و بریدن شاخه‌ها تاثیری در اصلاح درخت ندارد. در بحث مقابله با فساد اقتصادی در جامعه نیز همین شرایط وجود دارد و صرف برخورد با مفسدین مشکل را حل نمی‌کند.

برای مبارزه موفق با مفاسد اقتصادی باید بسترهای فساد را از بین برد و جلوی رانت‌ها و قانون‌گریزی‌ها را گرفت. اگر اجرای قانون در کشور ما اصلی بدون چون و چرا شود و هیچ کس در هیچ موقعیتی و با هر گرایشی و هر سابقه‌ای امکان دور زدن آن را نداشته باشد زمینه‌های فساد از بین می‌رود. با شفافیت و مجال دادن به نظارت عمومی خصوصاً از طریق رسانه‌ها امکان قانون‌گریزی به حداقل ممکن خواهد رسید. اگر همه قراردادهای، موافقت‌های اصولی، امضاهای طلایی، فروش اموال دولتی و عمومی و عزل و نصب‌ها و اطلاعات اقتصادی و پرداخت‌ها عیناً قابل دسترسی از سوی همه شهروندان باشد می‌توان امیدوار بود

که حداقل از جایی و زمانی دیگر تولید مفسده‌های بزرگ متوقف می‌شود. ما نیازمندیم که از همه سو به فساد اقتصادی هجوم آوریم و از همه ابزارهای مدرن استفاده کنیم و هیچ کس مصون از برخورد نباشد و مردم هم عدم تبعیض را لمس کنند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

اینکه منتظر باشیم تا عده‌ای اختلاس و دزدی کنند و سپس به دنبال ردیابی و مجازات آنها باشیم، شیوه نادرستی است. این روش به این افراد آزادی عمل می‌دهد، در حالی که هنر است که راه این افراد سد شود یعنی در فضای اداری و تجاری کشور کاری کنیم که امکان فساد به کمترین سطح برسد. مهمترین گام مبارزه با فساد این است که بپذیریم در جامعه فساد وجود دارد. و این باید در لویت امور قرار گیرد. بنابراین عزم سیاسی صادقانه باید باشد برای این منظور نه مبتنی بر تسویه حساب-های سیاسی.



چارچوب کنترل فساد(نگارنده)

منابع

۱. آندویگ، ینس کریستوفر؛ فلدشتاد، اود هلیه؛ فساد اقتصادی در جهان (مروری بر تحقیقات معاصر)؛ با همکاری اینگه آمونسن، تونه سیسنر، تینا سوریده؛ ترجمه‌ی مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۲. بیابانی، غلامحسین؛ بهرامی، سهراب؛ تبانی و فساد در معاملات دولتی، نخستین هم‌اندیشی سراسری نقد و بررسی قانون برگزاری مناقصات و آیین‌نامه‌های آن، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷-۱۸۶.
۳. حقانی، فتح‌اله؛ بررسی علل اقتصادی فساد مالی در ایران، استاد راهنما دکتر احمد جعفری صمیمی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، تیر ۱۳۷۹.
۴. خضری، محمد؛ آسیب‌شناسی روش‌های مبارزه با فساد اداری در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۷، ص ۸۲۶-۸۱۳.
۵. خضری، محمد؛ رنایی، محسن؛ رانت‌جویی و هزینه‌های اجتماعی آن، فصل‌نامه مفید، شماره ۴۵، ۱۳۸۳، ص ۸۰-۴۶.
۶. دادگر، حسن؛ معصومی‌نیا، غلامعلی؛ فساد مالی، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

۷. دادگر، یداله؛ نظری، روح اله؛ بررسی شاخص‌های فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده‌ی جهان، فصلنامه سیاسی اقتصادی، شماره ۲۶۴-۲۶۳، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵-۱۲۰.
۸. دهقان، سعید؛ شکرالهی، بهنام؛ خدارحمی، خدابخش؛ تناقضات، عدم شفافیت و آسیب‌های قانون برگزاری مناقصات و پیشنهادات در جهت بازنگری و اصلاح؛ نخستین هم‌اندیشی سراسری نقد و بررسی قانون برگزاری مناقصات و آیین‌نامه‌های آن، ۱۳۹۰، ص ۳۳-۲۷.
۹. رهبر، فرهاد؛ فساد اقتصادی (ماهیت و سمت‌گیری)، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۰. زاهدی، شمس السادات؛ نگرشی بر فساد و آثار آن، دانش مدیریت، دوره اول، شماره دوم، بهار ۱۳۷۵.
۱۱. شلالوند، عبدالعلی؛ اختلاس و فساد اداری، آفت توسعه؛ مجلس و پژوهش، شماره ۲۵، سال پنجم، خرداد و شهریور ۱۳۷۷.
۱۲. طالبی، صابر؛ نظری، محمد رضا؛ بررسی زمینه‌های رانت و رانت‌جویی در برگزاری مناقصات دولتی، نخستین هم‌اندیشی سراسری نقد و بررسی قانون برگزاری مناقصات و آیین‌نامه‌های آن، ۱۳۹۰، ص ۴۵-۳۴.
۱۳. عزتی، مرتضی؛ روش تحقیق در علوم اجتماعی (کاربرد در زمینه مسایل اقتصادی)، همدان: انتشارات نور علم، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۱۴. قربانی، عادل؛ صدیق محمدی، میرفرهاد؛ راهکارهای مقابله با فساد اقتصادی در ایران، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۵. کوثری، غزال؛ بررسی رابطه فساد، اندازه دولت و درجه باز بودن اقتصاد؛ استاد راهنما محمد علی خطیب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۷.
۱۶. مجموعه مقالات و نظرات نخستین هم‌اندیشی سراسری نقد و بررسی قانون برگزاری مناقصات و آیین‌نامه‌های آن، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۷. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد؛ فساد مالی و اقتصادی (ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله)، جلد اول، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۸. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد؛ فساد مالی و اقتصادی (ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله)، جلد دوم، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۹. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد؛ فساد مالی و اقتصادی (ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله)، جلد سوم، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۰. میرجلیلی، سید حسین؛ فساد مالی و اصلاحات اقتصادی در ایران، دومین همایش دوسالانه‌ی اقتصاد ایران، پژوهشکده اقتصاد، دانشکده تربیت مدرس، ۱۳۸۱.
۲۱. همدی خطبه سرا، ابوالفضل؛ فساد مالی (علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
22. Asian Development Bank (2006); Curbing Corruption in Public Procurement in Asia and the Pacific; ADB/OECD Anti-Corruption Initiative for Asia and the Pacific.
23. Chr. Michelsen Institute (2002); Corruption in public procurement (causes, consequences and cures).
24. Jens Chr. Andvig and Odd-Helge Fjeldstad (2001); with Amundsen & Sissener & Soreide; Corruption (A Review of Contemporary Research), Chr. Michelsen Institute.
25. Matechak, Janson P (2005); Fighting corruption in public procurement, center for international private enterprise.
26. OECD Publishing (1999); Competition Policy And Procurement Markets.

27. OECD Publishing (2005); Fighting Corruption and Promoting Integrity in Public Procurement.
28. Ognian Shentov; Boyko Todorov; Alexander Stoyanov (2007); Corruption in public procurement; Center for the Study of Democracy (CSD).
29. Rohana Othman, Husein Zakaria, Norlaili Nordin, Zamzam Shahidan and Kamaruzaman Jusoff (2010); The Malaysian Public Procurement's Prevalent System and its Weaknesses; American Journal of Economics and Business Administration.
30. Transparency International (2006); Curbing Corruption In Public Procurement.
31. Transparency International (2010); Corruption and public procurement.